

معرفی نسخه خطی دیوان اشعار میرزا عبدالله متخلص به برقی خویی

دکتر جلیل تجلیل

استاد زبان فارسی و عضو هیأت علمی واحد علوم و تحقیقات تهران

فاطمه آقازاده

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

پویایی فرهنگ، مدیون تلاش مستمر محققان و اندیشمندان، در کشف و نشر موارث فرهنگی است. حیات یک جامعه به شریان‌های فرهنگی وابسته است و قطع آن‌ها، از خاموشی و خمودگی آن جامعه خبر می‌دهد. از جمله این شریان‌ها، فرهنگ پر بار و غنی‌ای است که در آثار ادبی گذشته ما تبلور یافته است و باید آن را ارج نهاد و برای حفظ و پایداری آن از هیچ کوششی فروگذار نبود؛ بر همین اساس، در این مقاله سعی شده است که یکی از میراث‌های ادبی زبان و ادب فارسی - که دیوان اشعاری تحت عنوان «دیوان اشعار برقی خویی» است به دوست‌داران فرهنگ و ادب معرفی شود و با ارائه گزارشی مفصل از شکل و محتوای آن، یکی دیگر از گنجینه‌های پنهان فرهنگی - ادبی در معرض دید و استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

کلید واژه‌ها :

نسخه خطی، برقی خویی، تصحیح، شکل، محتوا، سبک

مقدمه

خداوند متعال و پروردگار هستی، آدمی را در بهترین و نیکوترین هیئت آفرید و او را قوه ناطقه و عنصر اندیشه عطا نمود و بدو نوشتن تعلیم فرمود تا بدین وسیله از بقیه آفریدگانش ممتاز گردد.

بی شک، پیشرفت‌های انسانی در حیطه‌های گوناگون علمی، نتیجه انتقال دانش‌ها و اندیشه‌های بشری در طول تاریخ است که این انتقال جز به کتابت و نوشتار میسر نبوده است.

از این رو، موارث مکتوب و به تعبیری نسخه‌های خطی، نمودها و نمادهای درخشان و باشکوه تمدن و فرهیختگی جوامع و ملت‌هاست. این آثار مکتوب در حقیقت کارنامه اصالت و هویت آنان است که می‌تواند از حقایق گوناگون زندگی فردی و اجتماعی آنان، در طول ادوار پیشین، اعم از: دین و مذهب، آداب و رسوم، زبان و فرهنگ و ادبیات و ... پرده بردارد. در حقیقت، وسعت اندیشه و دورنمای هویتی افراد یک ملت، به پهنای همین میراث پیشینیان است، که در این میان، آثار مکتوب، نسبت به سایر آثار، از نظر سندیّت و اصالت، از درجه اعتبار بیشتری برخوردارند. در میان این آثار مکتوب، آثار ادبی - هنری، در بازنمایی عظمت فرهنگ و عواطف انسانی آن ملت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به ویژه در عصر حاضر، با گسترش و نفوذ خیره کننده وسایل ارتباط جمعی و استحاله زبان‌ها و فرهنگ‌های کم رمق، ضرورت احیای موارث فرهنگی، جهت دست یافتن به غنای بیشتر و بهره‌مند شدن از تجارب اصیل پیشینیان و ترسیم مسیر و طریق صحیح و استوار آینده‌ای تابناک و روشن، بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین برماست که با غواصی کردن در دریای پرتلاطم و جذّاب متون خطی، مرواریدهای پربها و پر ارزش فرهنگ و تمدن اسلامی را به دست آوریم و از این طریق، یعنی تصحیح و تحقیق و احیا و نشر این موارث گرانسنگ، اندیشه‌های مدون تاریخ تمدن بزرگ اسلامی ایرانی را به جهانیان عرضه کنیم.

برقی خوئی کیست؟

در کتاب «فرهنگ نام‌آوران خوی» آمده است: «میرزا عبدالله یا (عبدل) - متخلص به «برقی»، شاعر درویش مسلک و شیرین سخن شهرستان خوی - از غزل‌سرایان اوایل دوره قاجار بود. وی که جوانی کوسج و ژولیده و قبیح‌الوجه و ملیح‌البیان و شیرین زبان بوده - با وجود عامی بودنش - شعر را خوب می‌گفته و طبعش به غزل‌سرایی مایل بوده است. مدتی در خمسه زنجان در نزد عبدالله میرزا - متخلص به دارا - مانده و به امر او توطن و تأهل اختیار نموده، و سرانجام در سال ۱۲۴۷ هـ. ق به مرض طاعون در گذشته است.» (نصیری، ۱۳۸۰: ۸۲)

مؤلف در کتاب «تاریخ خوی»، «وی غزل را به شیوه شعرای دوره بازگشت می‌سروده و در برخی از آنها، به تقلید از سعدی و حافظ، بیتی یا ابیاتی در مدح فتح‌علی‌شاه قاجار داشته است.» (ریاحی، ۱۳۷۲: ۲۲۷)

از برقی خوئی، دیوانی مشتمل بر غزلیات و قصاید فارسی و ترکی، قطعه، رباعی، مثنوی و ترکیب‌بند به جای مانده است.

تخلص سراینده: با توجه به نام شعری شاعر که در پایان اکثر غزلیات و قصایدش آورده است، تخلصش برقی است و این موضوع، خود قرینه‌ای است برای صحت انتساب این دیوان به وی. از جمله وی در غزلی به مطلع:

خانه به دوشم ز روی و موی دل آویز سنبل و گل را که دید فتنه برانگیز!
(غزل ۲۲۳، ب ۱)

ضمن ستودن لهجه‌اش، ذکری از تخلص خود و محل تولدش آورده و

گفته است:

سعدی شیرین سخن ز فارس در آید برقی خوش لهجه از نواحی تبریز
(همان: ب ۱۰)

از سوی دیگر، وجود ۱۶ غزل و ۱ قصیده‌ی ترکی - که در دیوانش ثبت شده است - می‌تواند موید این موضوع باشد که: اولاً این شاعر، ترک زبان بوده‌است و ثانیاً، قرینه‌ای دیگر برای صحت انتساب این دیوان به برقی خوبی باشد.

و باز از آن جایی که وی غزلیاتش را به تقلید از سعدی و حافظ، و قصایدش را به پیروی از قصیده‌سرایان معروف سبک‌خراسانی همچون: فرخی و انوری سروده و در آن قصیده‌ها، به مدح تعدادی از شاهان و بزرگان دوره قاجار پرداخته است؛ می‌توان نتیجه گرفت که وی، اولاً جز شاعران دوره قاجار بوده‌است و ثانیاً شعرهایش را به سبک دوره بازگشت ادبی سروده‌است و با توجه به تحقیقات نگارنده که در مورد ادبیات دوره قاجار انجام داده‌است، شاعری غیر از این شاعر مذکور - که دارای تخلص برقی باشد - در آن دوره وجود نداشته است؛ بنابراین، این سه موضوع - غیر از مشخص کردن تخلص شعری شاعر - خود می‌تواند دلیل‌های موثق‌تری برای صحت انتساب این دیوان به برقی خوبی باشد.

محل نگه‌داری نسخه‌ها و مشخصات آنها

از دیوان اشعار برقی خوبی، دو نسخه به صورت میکروفیلم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتاب‌خانه مجلس شورای ملی موجود است که برای نسخه دانشگاه تهران - که فاقد هر نوع اطلاعاتی درباره نام کاتب و تاریخ کتابت است - مشخصات جزئی زیر قابل ذکر است:

نام: دیوان برقی خوبی	تعداد برگ‌ها: ۱۵۶
مؤلف: عبدالله برقی خوبی	زبان: فارسی - ترکی
خط: نستعلیق	قطع: ربعی
شماره میکروفیلم: ۳۱۵۶	

و نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی نیز دارای مشخصات کلی از قرار

زیر است:

نام: دیوان برقی خوبی	شماره میکروفیلم: ۱۰۸۰۰
موضوع: شعر	تاریخ میکروفیلم: ۱۳۷۹/۰۹/۲۴
مؤلف: عبدالله برقی خوبی	تعداد برگ‌ها: ۱۹۵
کاتب: محمدتقی بن شیخ محمد بحرینی	شماره ثبت: ۸۶۵۰۸
تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ هـ ق	خط: نستعلیق
شماره کتاب: ۱۳۴۷۵	نوع جلد: تیماج سبز
زبان: فارسی - ترکی	نوع فیلم: ۱۶ میلی متری فوجی
قطع جلد: ۲۱/۵ × ۱۳	اپراتور: پالیز دار - مرعشی

لازم به ذکر است که با توجه به تحقیقات و جستجوهای که نگارنده در کتاب‌های فهرست متعدد انجام داده، نسخه‌ی سوّمی از این دیوان وجود ندارد.

رسم الخطّ و ویژگی‌های نگارش نسخه‌ها:

همان طوری که در مشخصات نسخه‌ها اشاره شد، این نسخه‌ها به خطّ نستعلیق و از نظر نگارشی، ویژگی‌هایی به قرار زیر دارند:

- ۱- حرف اضافه «به» به کلمه بعد متصل نوشته می‌شود: بمن، بکی، بجهان
- ۲- «آن» و «این» به کلمه بعد از خود متصل نوشته می‌شوند: آنساعت، آندم،

اینزمان

- ۳- «نه» نفی گاهی جدا از فعل نوشته می‌شود: نه بود

- ۴- «چون» و «بی» در بسیاری موارد به کلمه بعد از خود می‌چسبند:

چونشیخ، بیوفا

- ۵- حرف «گ» با یک سرکش، به صورت «ک» نوشته می‌شود: کو(گو)، کیتی(گیتی)
- ۶- «یای» میانجی، در کلمات مختوم به های بیان حرکت و مضاف به کلمه دیگر، گاهی نوشته نمی‌شود: خانه‌دل، ناقه‌لیلی
- ۷- «یاء نکره» در کلمات مختوم به «های غیر ملفوظ» به صورت «ء» بالای «ه» نوشته می‌شود: مغبچهء- عشوه
- ۸- حرف نشانه «را» به کلمه‌ی قبل از خود می‌چسبد: کمانرا، عبیرافشانرا
- ۹- حرف ندای «ای» گاهی به کلمه بعد از خود می‌چسبد: ایکه

ارزش و اهمیت دیوان اشعار برقی خوبی:

هر دو نسخه خطی، مانند همه میراث‌های فرهنگی و زبانی دیگر این مرز و بوم، حاوی فواید گوناگونی هستند که اهم آنها را به صورت زیر، می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

الف- از دیدگاه سبک‌شناسی: این دو نسخه، به جهت تعلقشان به قرن سیزدهم هجری قمری؛ یعنی سبک بازگشت ادبی، می‌توانند در بررسی‌های سبکی آثار ادبی این دوره، حائز اهمیت باشند؛ به این معنی که با بررسی و تحلیل ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی این دیوان، می‌توانیم شاهد تعداد زیادی از واژگان، ترکیبات، تعابیر، صور خیال و اندیشه‌هایی باشیم که قبل از این شاعر، در آثار شاعران پیشین زبان فارسی به کار رفته‌اند و گروه دیگری که جزء عناصر این دوره هستند و باعث بازشناسی آثار این دوره از آثار دوره‌های پیشین می‌شوند. این عامل علاوه بر احیای شیوه‌ها و سبک سخنوری پیشینیان، نشانگر پیوستگی‌های فکری و ادبی و زبانی سخنوران عرصه زبان و ادب فارسی است که توانسته‌اند این پیوند را در فراز و نشیب زمان و در طول قرون متمادی- که

قریب به هفتصد سال می‌باشد. حفظ کنند، و به این طریق به اصالت فکر، زبان و ادبیات گذشتگان خود صحه بگذارند و مانع از فراموشی آنها گردند.

علاوه بر مطالب گفته شده، بازنمایی هر دو نسخه، عمق نفوذ و سرایت سبک قصیده سرایان و غزل پردازان پیشین همچون انوری، فرخی، سعدی و حافظ را در این دوره نشان می‌دهد. و به دقت آمارهای ارائه شده در باب قصیده سرایان و غزل سرایان پیرو انوری، فرخی و یا سعدی و حافظ می‌افزاید و از طریق تطبیق آنها با نظایر خود، امکان ارزیابی ادبی را برای آنها فراهم می‌کند.

ب- از دیدگاه زبان‌شناسی: با مراجعه به آثاری از قبیل دیوان برقی‌خویی و نظایر آن، می‌توانیم تا حدودی به میزان و کیفیت تغییرات زبانی در ابعاد مختلف صرفی، نحوی و واژگانی، پی ببریم و دریابیم که زبان کهن و اصیل فارسی در طول این سیزده قرن، چه نوع تغییراتی را پشت سر گذاشته، و چگونه توانسته با وجود رویارویی با فرهنگ‌ها و حکومت‌های مختلف، پیوستگی‌اش را حفظ کند؟ مهم‌تر از همه این است که آثار مکتوب قرن سیزدهم، با رجوع به آثار پیشینیان، توانسته از سرعت تغییرات زبانی، تا حدود بسیار زیادی بکاهد و با مرور زبان و ادبیات گذشتگان و استعمالات خاص زبانی آنها، زنگار کهنگی و فراموشی را از چهره این زبان اصیل بزدايد. تردیدی نیست که هر کدام از آثار خطی- در صورتی که تصحیح گردند- می‌توانند در شفاف‌سازی گوشه‌های تیره و مبهم این تحقیقات، نقش به‌سزایی داشته باشند؛ به این معنی که با افزون شدن نمونه‌های مورد بررسی در هر دوره، تعیین حدود تغییرات زبانی، قطعاً از دقت بیشتری برخوردار می‌شود، و در صدور احکام از میزان اشتباهات کاسته می‌شود.

ج- از دیدگاه فکری و محتوایی: خوانندگان این دیوان و دیوان‌های مربوط به قرن سیزدهم همگی آگاهند که یکی از ابعاد مهم این دیوان‌ها علاوه بر

اشتمالشان به موضوعات و ایده‌های مختلف از قبیل توحید باری تعالی، نعت و ستایش نبی اکرم، غلو و مبالغه، غم‌گرایی، آرمان‌گرایی، توجه به معارف اسلام، علو مقام معشوق و ...، بعد عرفانی بودن آنها است که مثل سایر آثار این دوره، در آنها به مسائل مهم عرفانی همچون مسأله‌ی تجلی و ظهور، تفوق عشق بر عقل، ستایش بی‌خودی و بی‌خردی و غیره پرداخته شده‌است.

علاوه بر موارد مذکور، این دیوان‌ها از نظر تلفیق انواع ادبی در یک اثر واحد هم، حائز اهمیت بسیار زیادی هستند؛ انواعی از قبیل: مدح، هجو، اندرز، عشق، توصیفات طبیعت، ساقی‌نامه، خمیازه، رزم، بزم و ... این آثار را به مجموعه گران‌بهایی از اطلاعات گوناگون ادبی تبدیل می‌کنند، که می‌توانند به خواننده‌ی خود، در آن واحد، اطلاعات متنوع ادبی دهند.

انواع اشعار برقی

الف. اشعار مذهبی: مقصود از اشعار مذهبی، اشعاری است که شاعر در ستایش خدا و مدح و منقبت حضرت رسول (ص) و ائمه دین یا در زمینه مسایل اعتقادی دیگر سروده‌است. مثلاً وی در قصیده‌ای به مطلع:

ای ذات همایون تو از عیب مبرا!
وی کنه تو زان سوی دو صد فکرت دانا!
(قصیده ۲، ب ۱)

به ستایش خدا پرداخته و باز در غزلی به مطلع:

عقل، خطاپوش از کمال محمد
وهم، فرومایه از جمال محمد
(غزل ۱۵۶، ب ۱)

به مدح و اظهار ارادت به آستان پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌است. همچنین وی ترکیب بند مفصلی هم با مطلع:

باز این چه شیونی است که در اهل عالم است؟!

عالم غریق لجه خونخواره غم است!

(ترکیب‌بند، بیت اول بند اول، ص ۳۹۰)

در رثای حضرت حسین بن علی (ع) و شهیدان کربلا سروده‌است.

ب. اشعار عرفانی: تصوّف و عرفان که از دیر باز در ادبیات جلوه‌گری داشته، در شعر شعرای دوره بازگشت ادبی از جمله برقی خوبی هم به چشم می‌خورد. با وجود این، تصوّف و عرفان وی مانند سایر شعرای دوره بازگشت، جاذبه‌های دوره‌های گذشته را ندارد. از اشعار اوست در این زمینه:

که مست باده‌ی وحدت ز بامداد الستم	به بزم غیر مکن ساقیا ز باده تو مستم
زدست رفته عشقم، چه اختیار به دستم؟	سرم به پای تو و اهل اختیار به خنده
در آفتاب پرستی، بتان باده پرستم	ترا پرستم و ترسم کنند شهره‌ی آفاق
تو آبگینه و من سنگ آبگینه شکستم	دلت شکست چو رستم سلامت از غم هجران
به روی اهل دو عالم، در سرای بیستم	غمت به خانه‌ی دل تا گشود بار اقامت
هنوز با همه پیری در اعتقاد نخستم	به روزگار جوانی، هوای عاشقی‌ام بود
تویی که نوربلندی، منم که سایه‌ی پستم	به دامنت نرسد دست هم‌تم به حقیقت
به کوی یار تو برقی! گمان برند که هستم	خورند غم که شرر می‌زنم به خرمن هستی

(غزل ۲۵۷، ص ۱۷۴)

ج. اشعار مدحی و درباری: کتاب «پژوهشی در نثر و نظم دوره بازگشت ادبی» آمده است: «خریداران شعر فارسی از دیر باز معمولاً درباریان بوده‌اند و این روال به قانون نزدیک شده و تا عهد صفوی که شاهان توجّهشان بیشتر معطوف علماء و فقها شده، ادامه داشته و درست در همین موقع که شاعران بازار خود را رو به کساد دیدند، به هند روی آوردند و مشتریان دایمی خود را در دربار هند یافتند و متاع هنرمندان خود را به بهای مناسب به آنان فروختند. بعد از انقراض زندیه که با حکومت سی‌ساله و آرام ساختن خود،

زمینه را برای رواج مجدد شعر و شاعری فراهم آورده بودند، پادشاهان قاجار بر تخت سلطنت جلوس کردند.

آغامحمدخان - مؤسس سلسله قاجار - نیز به شعر توجهی نکرد و لذا دربار او از شعر خالی ماند. اما از روزگار فتح‌علی‌شاه، شعر درباری گرمی بازار خود را یافت و در تمام دوره‌ای که با فتح‌علی‌شاه در شعر و شاعری آغاز شد و تا مرگ مظفرالدین شاه ادامه یافت، اشعار درباری رونق داشت و شعر و شاعر، مقید به دربار بودند و این حالت در دوران حکومت ناصرالدین شاه شدت یافت». (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۳۱) برقی خوبی نیز که - جزء شاعران دوره قاجار بوده است - مثل تمامی شاعران آن دوره قصاید متعددی در مدح شاهان آن روزگار سروده است؛ از جمله وی در قصیده‌ای به مطلع:

الْمِنَّةُ لِلَّهِ كَمَا أَنَّ دَادَ الْغُرِّ آمِدٌ زنده شه عیش آمد و دولت به بر آمد

(قصیده ۲۶، ب ۱)

به مدح عباس میرزا ولی عهد فتح‌علی شاه قاجار پرداخته و چنین گفته است:

عَبَّاسُ شَهٍّ، أَنْ مَلِكِ اسْتَانَ، أَنْ كَمَا تَنَائِشٍ گویا ز قضا، آیت فتح و ظفر آمد!

(قصیده ۲۶، ب ۱)

و در قصیده دیگری به مطلع:

أَيُّ دَلِّ خَسْتَةٍ قَصْدِ تَسْتِ وَصَالٍ دست بردار ازین خیال محال

(قصیده ۴۳، ب ۱)

به مدح شاهزاده عبدالله پرداخته و چنین گفته است:

ظَلَّ حَقٌّ، شَاهِزَادَةَ عَبْدِ اللَّهِ که شده در زمانه بحر نوال

(قصیده ۴۳، ب ۱۱)

د. اشعار انتقادی (هجو و هزل): «هجو یا هجا، نکوهیدن و معایب کسی را برشمردن است و هزل، بیهوده‌گویی و در اصطلاح ادبی، سخن و شعری است که در آن کسی را ذمّ کنند و به او نسبت‌های ناروا دهند.» (لغت‌نامه دهخدا) در باره شعر انتقادی در کتاب «انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی» آمده: «در شعر انتقادی، شاعر، معایب و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماعی را، به صورت هجو یا هزل بیان می‌کند و غالباً با رکاکت لفظ و دشنام و عدم رعایت عفت کلام همراه است و قصد شاعر در بیان آنها، برانگیختن خنده و مسخره کردن است.» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۹۰-۸۹)

برقی خویی هم متأسفانه، گاهی قلم خود را در خدمت کینه‌جویی و دشمن ستیزی و حمله‌ی بر رقیبان یا مخدومانی که صله‌ی وی را کم داده‌اند و یا اصلاً نداده‌اند، قرار داده‌است. از قصاید او در زمینه، می‌توان به قصیده‌ای با مطلع: عروسه‌های سخن را مثال مشاطه به حجله‌گاه دلم داده طبع، پیرایه (قصیده ۶۲، ب ۱)

اشاره کرد که در آن ضمن ستایش شعرش، به هجو و هزل کسانی پرداخته است که شعر وی را بی‌پایه و اساس می‌دانند. قالب‌های شعری برقی خویی شامل: غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی و ترکیب‌بند است که البته در میان این قالب‌ها، غزل و قصیده پرکار بردترند. شرح این قالب‌ها از قرار زیر است:

الف. غزل: همان‌طور که اشاره شد، وی در غزلیاتش رغبتی تام به اشعار حافظ و سعدی نشان داده و از اغلب غزل‌های این دو شاعر بزرگ استقبال کرده‌است که از جمله آن غزل‌ها، می‌توان به غزلی با مطلع: حلقة زلف تو غارتگر جان خواهد شد

شیوه حسن تو آشوب روان خواهد شد

(غزل ۱۵۱، ب ۱)

اشاره کرد که آن را در استقبال از این غزل حافظ به مطلع:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

سروده است و باز در غزلی به مطلع:

داغت از جان من ای آفت دوران نرود ور رود، بار دگر دل پی درمان نرود

(غزل ۱۸۳، ب ۱)

به این غزل حافظ با مطلع:

هرگز نم نقش تو از لوح دل و جان نرود هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

توجه داشته است و یا در غزلی به مطلع:

عقل، خطاپوش از کمال محمد وهم، فرومایه از جمال محمد

(غزل ۱۵۶، ب ۱)

می توان اشاره کرد که آن را در استقبال از این غزل سعدی با مطلع:

ماه، فرو ماند از جمال محمد سرو، نباشد به اعتدال محمد

سروده است.

از مجموع این استدلال‌ها، می توان نتیجه گرفت که وی در غزل‌سرایی، مقلد حافظ و سعدی بوده و از اکثر غزلیات آن دو شاعر بزرگ استقبال کرده است و موضوع غزلیات نیز مثل غزلیات آن دو شاعر بزرگ، بیشتر عشق و عرفان است و در آنها، مضامین بکر و بدیع و نکات جذّاب و دلنشین هم وجود دارد.

مجموع غزل‌های وی، ۴۲۴ غزل است که این تعداد شامل: ۴۱۶ غزل

فارسی و ۸ غزل ترکی است.

ب. **قصیده:** وی قصایدش را معمولاً به سبک خراسانی و در تقلید از کسانی چون: فرّخی و انوری سروده است. تعداد قصاید وی، ۹۵ قصیده است که این تعداد نیز شامل: ۸۴ قصیده فارسی و ۱۰ قصیده ترکی و ۱ قصیده مملّع می باشد که موضوع اغلب آنها، مدح پادشاهان و بزرگانِ دوره قاجار است. و بلندترین قصیده اش، قصیده ای ۵۰ بیتی است که در مدح حضرت علی (ع) با مطلع:

بوی مشک آورد نسیم بهار گویا می وزد ز طرّه یار
(قصیده ی ۳۶، ب ۱)

سروده و در آن به مدح آن حضرت پرداخته است.

ج. **مثنوی:** برقی خوبی به این نوع شکل شعری هم توجه داشته و خود را در این کار آزموده است. وی فقط یک مثنوی با مطلع:

ای سپهر لاجوردی از تو داد! از توأم خاطر نشد یک لحظه شاد
(ص ۳۸۸)

سروده است که در آن به شکایت از روزگار و جور و جفای آن پرداخته است.

د. **رباعی و قطعه:** این دو قالب نیز، از قالب هایی هستند که مورد توجه برقی خوبی قرار گرفته اند که مانند قالب های دیگر، تحت تأثیر رباعیات و قطعات قدما هستند.

هـ ترکیب بند: قالب دیگری است که برقی خوبی به آن پرداخته و ترکیب بندی با ۱۲ بند در رثای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به استقبال از ترکیب بند ۱۲ بندی محتشم کاشانی سروده است.

سبک شعری برقی خوبی: همان طور که در ابتدا اشاره شد، وی از شاعران غزل‌سرا و قصیده سرای دوره قاجار و در واقع از شاعران دوره بازگشت ادبی بود که به شیوهی آنها شعر می‌سرود و مثل تمام شاعران آن دوره، ویژگی‌های شعری آن دوره را در اشعار خود به کار برده‌است، یعنی در قصیده و غزل به ترتیب از سبک سخنوری و شاعری سرایندگان سبک خراسانی و عراقی متأثر شده‌است.

با این که هر اثری دارای سبک شخصی بوده و مبین شخصیت منحصر به فرد سازنده آن است؛ ولی صاحب سبک فردی در ادبیات، شخصی است که آثار او وجهی خاص و ابتکاری داشته باشد، از این نظر برقی خوبی تشخص سبکی خاصی ندارد و صرفاً به تقلید از پیشینیان پرداخته است.

الف. ویژگی‌های زبانی

نشانه‌های قدیم زبانی که در دیوان برقی خوبی وجود دارد، بسیار زیاد است؛ کاربرد واژگان پهلوی، قدیم و مهجور و ساختارهای صرفی کهن، از آن جمله‌اند. همچنین بالا بودن بسامد واژگان عربی و کاربرد پاره‌ای از اصطلاحات عرفانی همچون: طلب، معرفت، تقوی، فنا، خوف و رجا، صنم، شریعت و حقیقت و ... و اصطلاحات فلسفی همچون: ممکن، حدوث، قدم و آوردن پاره‌ای از اعلام قرآنی از بارزترین ویژگی‌های زبانی این دیوان هستند که در زیر به ذکر شواهدی از آنها می‌پردازیم:

۱- کاربرد افعال پیشوندی:

از پی تاریکی بزم دلم

شمع جمال تو برافروختم

(غزل ۲۵۶، ب ۲)

۲- کاربرد حرف شرط «ار» به جای «اگر»:

دل دردناک مجنون، جرسی است کاروان را

بنشیند ار به محمل، پی عزم راه، لیلی

(غزل ۱۹، ب ۵)

۳- کاربرد پیشوند «همی»:

به خاک درت تا گدا گشته‌ایم / ز سلطانی آید همی عار ما
(غزل ۲۶، ب ۵)

۴- کاربرد «اندر به جای در»، «از پی، از بهر و بهر به جای برای»:

دورم از تو نکشد غیرت نزدیکانم / دور بهتر بود اندر نظر دوراندیش
(غزل ۲۳۳، ب ۵)

تیغ برکش، بکش از بهر خدا، زار مرا / تا چنین زار نبیند دیگر، اغیار مرا
(غزل ۱۴، ب ۱)

از پی شام فراق و صبح وصلت / از سر پیری مرا چو عهد شتاب است
(غزل ۵۱، ب ۴)

از اثر ناله‌ام آگه کنید / بهر خدا، یار جفاکار را
(غزل ۹، ب ۱۱)

۵- کاربرد فعل قدیمی «نیوشیدن» در معنی «شنیدن»:

شهره‌ی شهرم به عشق ورزی فرزند / پند پدر را به گوش جان نیوشم
(غزل ۲۸۱، ب ۲)

۶- کاربرد فعل «گرفتن» در معنی «فرض کردن»:

گرفتم اینکه مرا هست جایگاه گریز / روا بود که ز دام غم تو بگریزم؟!
(غزل ۲۸۰، ب ۲)

۷- تکرار در کلمات، جملات و معانی آنها:

آه (و) صد آه ز برقی! صنمی آهو چشم / عاقبت می‌کشدش عشق سوی هامون را
(غزل ۲۲، ب ۷)

نه عیان قاتل و نه تیغ هویدا، اما / هر کجا می‌نگری، کشته خونین کفن است
(غزل ۸۰، ب ۲)

میوش چشم به انصاف ای نصیحت گوا! / نظر چگونه بیوشم از آنکه در نظر است
(غزل ۸۴، ب ۶)

ز بلای ناگهانم چه غم است با وجودت / که بلای ناگهانی تو بلای ناگهان را
(غزل ۱۹، ب ۳)

۸- کاربرد «باء تأکید - بر سر فعل ماضی»:

ای باد صبح! لیلی بنشسته بر عماری در بادیه خبر بر، مجنون مبتلا را
(غزل ۵، ب ۲)

۹- تخفیف در کلمات:

به هر طرف که نهادم قدم به وادی عشق فتاده بود هزاران دل فگار آنجا
(غزل ۱۰، ب ۸)

۱۰- استعمال حرف نفی «نا» به جای «ن»:

گویند از مهرش سخن، من زین سخن اندر محن

بهر شناسم زان که من، این بخت نافرجام را

(غزل ۱۲، ب ۸)

بعد صد قرن که در تربت من می گذری بانگ حرست به درآید زدل ناشادم
(غزل ۲۶۱، ب ۶)

۱۱- استعمال قید نفی «نه»:

هجرا نه جان گرفت (و) نه دل، از ره وفا پرسید از نسیم سحر، حال زار ما
(غزل ۲۸، ب ۷)

۱۲- استعمال حرف تأکید «مر»، قبل از مفعول:

مردم به یاد آن صنم، مر آن صنم را از کرم ای پیک باد صبحدم! از من ببر پیغام را
(غزل ۱۲، ب ۱۰)

۱۳- تخفیف مشدّد:

نهادی تا بنای شکر افشانی و دُر سلفی شکستی رونق بازار انفس مسیحا را
(غزل ۴، ب ۶)

بیان برقی شیرین زبان را فلک شاید ز انجم زر بریزد
(غزل ۱۴۵، ب ۱۱)

۱۴- تشدید مخفف:

همچو برقی نهم پای به اورنگ شهبی گر دهد دست، گدایی در یار، مرا
(غزل ۱۴، ب ۹)

روی تو ماه و لعل لب شهد و شکر است یا باغ جنتی که درو آب کوثر است
(غزل ۶۲، ب ۱)

۱۵- آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم:

عاقل آن است که دیوانه عشقِ یار است کودکان را ز کف اندر، هوسِ آزار است
(غزل ۵۹، ب ۱)

و نشانه‌های دیگری از قبیل استعمال ضمیر «وی» و «او» به غیر عاقل، کاربرد واژگان در معانی کهن مثل «بوی» به معنی «آرزو»، «مردم» در معنی «انسان» و «شخص»، و استعمال «یاء‌های شرطی، استمراری و تمنّایی» در آخر افعال، از موارد قابل ذکر در زبان این دیوان هستند.

ب. ویژگی‌های فکری

ستایش باری تعالی و ذکر توحید، نعمت پیامبر اکرم (ص)، منقبت امام علی (ع) و سایر امامان، تقبیح دنیا و شکایت از ابنای عصر، شرح فراق و وصال، پند و اندرز، خمربیه، مفاخر، بیان سلطه‌ی تقدیر، غلو و مبالغه، برتری عشق بر عقل، مسأله تجلی و ظهور، اصطلاحات عرفانی همچون: فنا و بقا، تقوی، خوف و رجا، صنم و ... ساختار فکری این دیوان را تشکیل می‌دهند.

۳- ویژگی‌های ادبی: قالب مسلط اشعار وی غزل است. البته از سایر

قوالب شعری هم، همان طور که قبلاً اشاره شد استفاده کرده است. مثل سعدی و حافظ، گاهی در بیت ما قبل آخر و حتی در دو بیت ما قبل آخر تخلّص می‌کند. غزلیاتش گاهی تخلّص ندارد و باز گاهی مثل سعدی و حافظ در ابیات آخر غزل، گریز به مدح کرده، یکی دو بیت در ستایش ممدوح گفته و غزل را به پایان برده است. اغلب قصایدش مقتضب بوده و در پایان برخی از آنها باز هم از

تخلّص شاعری اش استفاده کرده است؛ البتّه این را در کنار تخلّص قصیده - که به معنای انتقال یافتن از پیش درآمد تشبیب و تغزّل به مدیحه یا مقصود دیگر است - انجام داده است. توجّه اش به بیان و بدیع زیاده بوده، طوری که از انواع تشبیه، همچون: تشبیهات تفضیلی، مضمّر، محسوس به معقول و ... و از انواع استعارات، همچون: مصرّحه، مکئیّه و انواع کنایات و مجاز استفاده کرده است. در زمینه بدیع نیز، هم به بدیع لفظی همچون: سجع، جناس و ردّ العجز علی الصّدْر، طرد و عکس و... و هم به بدیع معنوی، همچون: استفاده کردن از تلمیحات گوناگون، نظیر: تلمیح به داستان‌های وامق و عذرا، شاه مصر و زندان، چاه و بیژن، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، نگین و سلیمان و غیره و نیز صنعت حسن تعلیل، تضادّ، مراعات نظیر و غیره پرداخته است که در زیر، شواهدی از آرایه‌های ادبی اثر، بیان می‌شود:

۱- جناس

۱-۱- ناقص:

بکش خدنگ جفا و بکش تو برقی را چرا که می‌کشدش طعن بی‌شمار رقیب
(غزل ۳۰، ب ۷)

۲-۱- مضارع:

خواب چشم مردم بیدار بخت می‌برد سخت آن دو چشم نیم خواب
(غزل ۳۵، ب ۳)

۳-۱- ملحقّ به زاید:

آنکه کند آرزوی یار را گوی برو زحمت اغیار را
(غزل ۹، ب ۱)

۴-۱- لاحق:

نه دلبر به فکر دل زار ما نه طالع، پی چاره‌ی کار ما
(غزل ۲۶، ب ۱)

۵-۱- مدّیل

خود بکش از کرم ای یار جفاکار مرا ورنه آخر بکشد حسرت دیدار مرا
(غزل ۱۴، ب ۲)

۲- ترصیح:

سنبل دوش ترا، خلق جهان صاحب عشق

صاحب نوش ترا، اهل زمان ضارب نیش

(غزل ۲۳۳، ب ۲)

۳- موازنه:

چون نجوم آسمانی، بی حساب

چون هموم روزگاری، بی قیاس

(غزل ۳۵، ب ۵)

۴- طرد و عکس:

عارض تو یاسمن و قدّ تو سرو چمن است

قدّ تو سرو چمن، عارض تو یاسمن است

(غزل ۸۰، ب ۲)

۵- سیاقه الاعداد:

بخت و اغیار و فلک، هر سه مگر رفته به خواب

که میان من و تو، رازِ نِهان می گذرد؟

(غزل ۱۳۵، ب ۵)

۶- لفّ و نشر:

گل و ریحان و سرو بوستان را

رخ و خطّ و قدت آشوب جانند

(غزل ۱۶، ب ۶)

۷- ردّ العجز علی الصدر:

بی حجاب از در درآ چون آفتاب تا بماند آفتاب اندر حجاب

(غزل ۳، ب ۱)

۹- تلمیح به آیات، احادیث و داستان‌ها:

شکستی رونق بازارِ انفسِ مسیحا را

نهادی تا بنایِ شکرآشنائی و ذرِ سفتی

(غزل ۴، ب ۶)

ز برق ناله‌ام شد وادی طور

جهان از دستِ عشقِ شمع رویی

(غزل ۳۱۶، ب ۶)

خندنگ از کمان تو تیرِ شهاب

شیاطینِ اعدایِ جاهِ تو را

(قصیده ۵، ب ۸)

۹- تجاهل العارف:

جانا تو و آغوش من! آوردم این بخت از کجا؟!

بیداری است این یا کنم سر، جهان خواب را؟
(غزل ۶، ب ۵)

۱۰- حسن تعلیل:

تحریک زلف موجب عشق است و فتنه نیز
آری ضرورت است قراول سپاه را
(غزل ۲۴، ب ۴)

۱۱- تشبیه

۱۱-۱- مرگب

عقل مسکین را به سر آورد عشق
آنچه رستم بر سر افراسیاب
(غزل ۳۵، ب ۱۱)

۱۱-۲- تفضیل:

من ندیدم سرو را پیوند ماه!
ماه را در حلقه‌ی مشکین طناب!
(غزل ۳۵، ب ۹)

ز روی و قد چه نسبت به ماه و سرو تو داری

نه ماه راست تکلم، نه سرو را حرکات است

(غزل ۵۳، ب ۹)

۱۲- استعاره

۱۲-۱- مصرّحه‌ی مجرّده:

روی بتان را گرفته طره‌ی پرتاب
نافه‌ی تر بین در آفتاب جهاتاب
(غزل ۳۶، ب ۱)

۱۲-۲- مکنّیه:

داده‌ی زمانه ز بامداد ضمیرش
شاهد خورشید را به چهره سفید آب
(قصیده‌ی ۳۶، ب ۱)

حسن تو تا لوی عشق انداخت
زهد مغلوب و عقل در خطر است
(غزل ۶۱، ب ۱۰)

۱۳- کنایه:

آهن سرد است می‌گویم مَنّت
کی به من سوزد دل چون آهنّت!
(غزل ۱۲۶، ب ۱)

با عقل بگویند که در عرصه‌گه حسن
با عشق خصومت به دهان تو زیاد است
(غزل ۵۶، ب ۶)

۱۴- مجاز

۱۴-۱- به اراده مظروف:

یار به صحرا رود به عزم تماشا
شهر ز دنبال او روند به صحرا
(غزل ۷، ب ۱)

۱۴-۲- به اراده‌ی جزء:

از دیده‌ی ما، جهان چو دریاست
گردون چه بُود؟ سفینه در آب
(غزل ۳۴، ب ۱)

نتیجه‌گیری

دریابی از فرهنگ پرمایه‌ی اسلام و ایران، در نسخه‌های خطی موج می‌زند. نسخه‌هایی که در تصحیح و نشرشان، فواید بسیاری نهفته است. از جمله آنها، آشنا کردن نسل امروز با گذشته، فرهنگ، زبان و هویت خود و افراد این مرز و بوم است.

علاوه بر این، نسخه‌های کهن، ما را با مبانی فکری و اعتقادی، آداب و رسوم، زبان، ادبیات و فرهنگ ملت کهن سال ایران آشنا می‌کند؛ به طوری که از سطر به سطر این آثار، می‌توان سیر تحولات فرهنگی و تاریخی را مورد مطالعه قرار داد و از فواید آنها در جهت‌گیری‌های آتی بهره‌مند گردید.

گفتنی است که تصحیح نسخه‌های خطی کهن، در حقیقت احیا و بازنمایی ابعاد پوشیده‌ی فرهنگ، تاریخ و تمدن ماست، و آن چیزی است که اعتبار و عظمت فرهنگی ملت ما در گرو آن است. بنابراین بر عهده هر نسلی است که مواردی پراچ خود را پاس بدارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و

سوابق علمی خود، به احیاء و بازسازی آنها اهتمام ورزد تا از این طریق، سهمی هر چند کوتاه در انتقال این هویت نامه‌ها به آیندگان داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- برقی خویی، ۱۳۸۹، میرزا عبدالله، دیوان اشعار، تصحیح نگارنده مقاله.
- ۲- خاتمی، ۱۳۷۴، احمد، پژوهشی در نظم و نثر دوره بازگشت ادبی، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، چاپ آرمان، چاپ اول.
- ۳- دهخدا، ع.ا.، ۱۳۳۷، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- رزمجو، حسین، ۱۳۷۴، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ویراستار: دکتر محمد جعفر یاحقی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ۵- ریاحی، محمد امین، ۱۳۷۲، تاریخ خوی، انتشارات توس، چاپ اول، تهران.
- ۶- نصیری، بهروز و عاشرزاده، زهرا، ۱۳۸۰، فرهنگ نام‌آوران خوی (از سده اول تا چهارده هجری)، انتشارات قراقوش، خوی.